اخبار

«امرِ نو» منتشر شد؛

نومایگی به روایت بوریس گرویس

کتاب «امر نو» نوشته بوریس گرویس و ترجمه اشکان صالحی توسط نشر نی منتشر شد. جابه‌جایی پیوسته مرز بین امور باارزش و بی‌ارزش، یا فرهنگ و بی‌حرمتی، در کانون بررسی گرویس قرار دارد.کتاب «امر نو» نوشته بوریس گرویس و ترجمه اشکان صالحی در ۱۹۴ صفحه و بهای ۸۸ هزار تومان منتشر شد. بوریس گرویس در این کتاب نگاهی می‌اندازد به اقتصاد ارزیابی و مبادله‌ای که نیروی محرک پایگاه‌های اصلی فرهنگ مدرن یعنی بازار روشنفکری و بایگانی است. زمانی که ایده‌ها از زمینه‌ای به زمینه دیگر منتقل می‌شوند، نومایگی پدید می‌آید. جابه‌جایی پیوسته مرز بین امور با ارزش و بی‌ارزش، یا فرهنگ و بی‌حرمتی، در کانون بررسی گرویس قرار دارد. نوآوری عبارت از پیدایش چیزی از پیش پنهان نیست. در کار نوآورانه فکری و هنری، ارزش چیزی که همیشه از قبل دیده و شناخته شده است دوباره ارزیابی می‌شود. ارزیابی دوباره ارزش‌ها شکل کلی نوآوری است.گرویس فیلسوف، مورخ و منتقد هنری است که به خصوص در حوزه زیبایی‌شناسی و رسانه تخصص دارد. او در حال حاضر استاد دانشگاه هنرها و طراحی کارلسروهه است و سابقه تدریس در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه پنسیلوانیا را نیز در کارنامه دارد. گرویس فیلسوف چپ‌گرایی است که به تاسی از تفکرات و نوشته‌های والتر بنیامین به ارزیابی مجدد هنر عصر شوراها و به خصوص واقع‌گرایی اجتماعی پرداخت و در این چارچوب نوع تازه‌ای از زیبایی‌شناسی را مطرح کرد که به تعابیر بنیامین در مورد زیبایی‌شناختی کردن سیاست و سیاسی کردن هنر مرتبط می‌شدند.

کتاب «حجره خورشید» نقد و بررسی می‌شود

کتاب «حجره خورشید» درباره مقالات شمس تبریزی، اثر سودابه کریمی، سه شنبه ۱۰ خرداد در نشست هفتگی شهر کتاب، نقد و بررسی می شود.نشست هفتگی شهر کتاب سه شنبه ۱۰ خرداد به نقد و بررسی کتاب «حجره خورشید» مقالات شمس تبریزی، اثر سودابه کریمی است که تصحیح آن را محمدعلی موحد برعهده داشته و توسط انتشارات روزنه منتشر شده است اختصاص دارد. این کتاب توضیح مختصری است برای حدود ۱۰۰ صفحه از این تصحیح. ترتیب متن جز در موارد بسیار نادر همان است که در تصحیح موحد آمده، با تغییراتی که گاهی در نحوه خوانش یا چینش مطالب اعمال شده است و تلاشی برای فهم سخنان شمس با رجوع به گفته‌های مولاناست.

کتاب «حجره خورشید» به تاریخ عرفان پرداخته است و نه به تاریخ ادبیات؛ بلکه همچنین بنا دارد گفته‌های شمس را در سخنان عارفان با شاعران یا حکمای گذشته بجوید که البته در جای خود کاری مفید و ارزنده است. شارح می‌خواهد ببیند شمس چه نگاهی به هستی داشت؟ و تعبیرش از خدا، انسان، نیاز، اخلاق، جبر، ایمان، متابعت و... چیست؟ این کار را با جست‌وجو در کلام شمس و پی گرفتن آن در مجموعه سخنان مولانا، یعنی مثنوی معنوی، دیوان کبیر، فیه ما فیه، مجلس سبعه و تا اندازه‌ای با رجوع به مناقب العارفین و به ساله سپهسالار انجام می‌دهد. یکی از امکانات مهمی که این کتاب در اختیار مخاطبان محقق خود می‌گذارد، تفکیک موضوعی گفته‌های شمس است که سعی شده است هر بند از مقالات از نظر معنا با موضوع یا موضوعاتی پیوند داده شود.

این کتاب همچنین شامل سه پیوست نسبتاً مفصل در باب هستی شناسی شمس و مولاناست. در این پیوست‌ها تصویری هرچند اجمالی از دو اصل مهم هستی شناسانه در اندیشه شمس و مولانا به مخاطب داده می‌شود اما شاید بهتر باشد پیش از خواندن متن اصلی این سه پیوست مطالعه شود. نشست هفتگی شهر کتاب که به نقد و بررسی این کتاب اختصاص دارد از ساعت ۱۵ با حضور محمودرضا اسفندیار، ایرج رضایی و سودابه کریمی برگزار می‌شود، علاقه مندان می‌توانند این نشست را از صفحه مجازی مرکز فرهنگی شهرکتاب به صورت زنده دنبال کنند.

پوری خبر داد؛

آغاز به کار هیات داوران پنجمین جایزه داستان‌نویسی ارغوان

هیات داوران پنجمین دوره جایزه داستان‌نویسی «ارغوان» به تازگی کار خود را آغاز کرده است. احمد پوری داستان‌نویس، مترجم و مدرس داستان‌نویسی، امسال نیز همچون دوره‌های گذشته به عنوان یکی از اعضای شورای داوری، با این جایزه همکاری دارد. او با اعلام خبر آغاز داوری این‌دوره از جایزه مورد اشاره، اضافه شدن بخش برنده برندگان را که ویژه برگزیدگان دوره های پیشین این جایزه است، مثبت ارزیابی کرد و گفت: اضافه شدن بخش برنده برندگان به پنجمین دوره جایزه ارغوان، سبب شده این دوره در قیاس با دوره‌های پیشین، تفاوت مثبتی داشته باشد. پوری در پاسخ به این پرسش که جایزه «ارغوان» از زمان آغاز به کار تا امروز، چه‌قدر در میان جوانان علاقه‌مند به داستان‌نویسی شناخته شده، گفت: به دلیل ارتباطاتی که در کلاس‌های مختلف داستان‌نویسی و دوره های آموزشی متفاوت با جوانان دارم، می‌توانم با اطمینان بگویم هم اکنون نام «ارغوان» به عنوان یک جایزه داستان‌نویسی جا افتاده و این خوشحال‌کننده است.این‌داستان‌نویس و مترجم در پاسخ به پرسشی درباره تداوم بخش «برنده برندگان» در دوره‌های بعدی این جایزه نیز گفت: درباره این موضوع شک دارم. بهتر است که این بخش هر چند سال یک بار در کنار بخش اصلی برگزار شود. برگزیدگان جایزه هم، هفته سوم خرداد معرفی می‌شوند.

«دین و اخلاق محیط زیست» منتشر شد؛

آیا دیگر جانداران هستی هم از منزلت اخلاقی برخوردارند؟

«دین و اخلاق محیط زیست: از تعارض تا اجماع هم‌پوش» نوشته سجاد بهروزی و ابوالقاسم فنایی توسط دانشگاه مفید منتشر شد. در این اثر کاربست ایده اجماع هم پوش در اخلاق محیط زیست بحث شده است.

انتشارات دانشگاه مفید کتاب «دین و اخلاق محیط زیست: از تعارض تا اجماع هم‌پوش» نوشته سجاد بهروزی و ابوالقاسم فنایی را با شمارگان ۳۰۰ نسخه، ۲۵۲ صفحه و بهای ۸۶ هزار تومان منتشر کرده است.

کتاب شامل هفت فصل به ترتیب با این عناوین است: «تعریف اصطلاحات و مفاهیم کلیدی»، «طبقه بندی نظریه‌های موجود در اخلاق محیط زیست»، «نظریه احترام به طبیعت»، «ارزیابی نظریه احترام به طبیعت»، «اخلاق محیط زیست از منظر یهودیت و مسیحیت»، «اخلاق محیط زیست از منظر اسلامی» و «در جست‌وجوی اجماع هم‌پوش».

این کتاب کوششی است ابتکاری در به کار بستن ایده «اجماع هم پوش» در اخلاق محیط زیست برای نشان دادن امکان توافق میان اخلاق دینی و اخلاق فرادینی در این قلمرو. ایده «اجماع هم پوش» یکی از نوآوری‌های جان رالز، مهم‌ترین فیلسوف فقید اخلاق و سیاست در قرن بیستم میلادی است. رالز در پرتو این ایده می‌کوشد نشان دهد که توافق همگانی بر سر نظریه عدالت به مثابه انصاف در قلمرو سیاست ممکن است و پیروان جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های دینی و غیردینی جامع، علی‌رغم اختلاف‌هایی که در نظام باورها و ارزش‌های خود دارند، می‌توانند به دلایل گوناگونی که هر یک از آنها مبتنی بر مفروضات اختصاصی مورد قبول هر گروه است، بر سر تفسیر و برداشت خاص و یکسانی از اصول عدالت در قلمرو سیاست به اجماع هم پوش برسند.

اجماع هم پوش می‌گوید: توافق بر سر اصول عدالت در قلمرو سیاست در گرو توافق بر سر مبانی و دلایلی نیست که پذیرش این اصول را بدون استثنا برای همه انسان‌های عاقل توجیه کند. بنابراین خردمندان می‌توانند بر سر این اصول توافق کنند، بدون اینکه ناگزیر باشند بر سر دلایل متنوعی که پذیرش این اصول و تنظیم رابطه خود با دیگری بر اساس این اصول را برایشان توجیه می‌کند، نیز توافق کنند.

اما بنا بر دیباچه کتاب موضوع اصلی مورد بررسی در اخلاق محیط زیست که یکی از شاخه‌های مهم اخلاق کاربردی است «مسئولیت اخلاقی انسان‌ها در قبال محیط زیست یا درباره محیط زیست است. پرسش از مسئولیت اخلاقی انسان‌ها در قبال / درباره محیط زیست به یک معنا هم ارز پرسش از گستره اخلاق و شمول موضوع آن نسبت به موجودات طبیعی است. آیا همانگونه که انسان‌ها از «منزلت اخلاقی برخوردارند، موجودات جاندار دیگری که به همراه انسان جهان طبیعت را اشغال کرده‌اند نیز از چنین منزلتی، هر چند با درجاتی کمتر، برخوردارند، یا منزلت اخلاقی با همه درجات آن مختص انسان‌هاست؟

اگر سایر موجودات جاندار طبیعی نیز واجد حظی از منزلت اخلاقی باشند، چنین منزلتی مستلزم نوعی محدودیت هنجاری درباره رفتارهای مجاز انسان‌ها نسبت به آن موجودات خواهد بود. یعنی اگر منزلت اخلاقی دیگر موجودات جاندار طبیعی را به رسمیت بشناسیم، حق انسان‌ها در استفاده ابزاری از آن موجودات را محدود و مقید کرده‌ایم؛ زیرا منزلت اخلاقی هر موجودی، هم نوع تکلیف اخلاقی کنش‌گران مسئول را در قبال آن موجود تعیین می‌کند و هم حدود و تصور این تکلیف را.

علاوه بر این، رفتار انسان با موجودات بی جان مانند کوه‌ها، دریاها و معادن و منابع طبیعی، نیز در اخلاق محیط زیست مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، هر چند تکالیف اخلاقی‌ای که ممکن است انسان در مقام استفاده از این مواهب و امکانات دانسته باشد، از منزلت اخلاقی خود این موجودات سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از حق یا منزلت اخلاقی خداوند، یا حق یا منزلت اخلاقی انسان‌ها یا حق یا منزلت اخلاقی همه موجودات جاندار در استفاده از این مواهب و امکانات سرچشمه می‌گیرد.

درباره تکالیف انسان در قلمرو اخلاق محیط زیست سه پرسش اصلی وجود دارد. این پرسش‌ها عبارتند از:

۱) آیا اساساً انسان‌ها چنین تکالیفی دارند؟
۲) قلمرو این تکالیف تا کجاست؟
۳) این تکالیف «مستقیم» است یا «غیر مستقیم»؛ یعنی در قبال آن موجودات است یا درباره آن موجودات؟

پرسش نخست درباره اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست است. شک و تردید در اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست «شکاکیت در خصوص اخلاق محیط زیست» نامیده می‌شود. طبیعتاً چنین شکاکیتی جایی برای طرح پرسش دوم و سوم باقی نمی‌گذارد، اما کسانی که در این قلمرو شکاک نیستند و اصل وجود تکلیف در اخلاق محیط زیست را می‌پذیرند، ناگزیرند به دو پرسش دیگر نیز پاسخ دهند. پاسخ پرسش دوم و سوم در حالی است در گرو تعیین منبع یا منشأ و سرچشمه تکالیفی است که در اخلاق محیط زیست داریم.

اگر منشأ این تکالیف را صرفاً منزلت اخلاقی یا حق اخلاقی انسان‌های دیگر، خواه انسان‌های موجود و خواه نسل‌های آینده، در استفاده از محیط زیست بدانیم قلمرو این تکالیف را محدود کرده‌ایم، بدین معنا که این قول را پذیرفته‌ایم که از نظر اخلاقی انسان‌ها در قبال موجودات جاندار و بی جان دیگر هیچ مسئولیتی ندارند و آزادی آنان در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی، یعنی از موجودات جاندار و بی جان دیگر، صرفاً با حق انسان‌های دیگر در استفاده از این مواهب و امکانات محدود می‌شود. در این دیدگاه طبیعت ملک مشاع همه انسان‌ها قلمداد می‌شود.

اما اگر برای موجودات جاندار دیگر، غیر از انسان (اعم از حیوانات و گیاهان) نیز حقی اخلاقی در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی قائل شویم، در این صورت قلمرو تکالیف انسان‌ها در اخلاق محیط زیست را گسترش داده و به همین مقدار آزادیِ انسان‌ها در استفاده از مواهب و امکانات طبیعی را محدود کرده‌ایم.

این دیدگاه می‌گوید: از نظر اخلاقی انسان‌ها «در قبال» سایر جانداران نیز تکالیفی دارند؛ تکالیفی که از حق حیات این جانداران و نیز حق آنان در استفاده از امکانات و مواهب طبیعی سرچشمه می‌گیرد و به یک معنا بدهکاری انسان به همه جانداران است. چنانکه پیداست این تکالیف در رابطه با جانداران از نوع تکالیف مستقیم و در رابطه با موجودات بی جان از نوع تکالیف غیر مستقیم است.

در رابطه با منشأ تکالیف در اخلاق محیط زیست دو نظریه دیگر نیز قابل طرح است: نظریه اول منشأ این تکالیف را فرمان الهی می‌داند و نظریه دوم منشأ آنها را تقدس طبیعت می‌شمارد. در چارچوب نظریه نخست، تکالیفی که در اخلاق محیط زیست برای انسان‌ها اثبات می‌شود، تکالیفی است «در قبال» خداوند و «درباره» موجودات جاندار و یا بی جان دیگر اعم از انسان‌های دیگر و حیوانات و جمادات. به بیان دیگر، در چارچوب این نظریه، این تکالیف از حق اطاعت خداوند یا حق مالکیت او سرچشمه می‌گیرد، نه از حق حیات یا حق مالکیت موجودات دیگر.

اما در چارچوب نظریه دوم این تکالیف «در قبال» همه موجودات دیگر است، زیرا از تقدس خود این موجودات سرچشمه می‌گیرد، هرچند منشأ این تقدس حضور و تجلی اسما و صفات الهی در این موجودات است. پذیرش این پیش‌فرض‌ها امکان توسعه بیشتر قلمرو اخلاق را فراهم می‌کند.

نویسندگان در بخشی از دیباچه این کتاب چنین نوشته‌اند: «ما در این کتاب کوشیده‌ایم با وام گرفتن ایده اجماع هم پوش در اخلاق سیاسی از جان رالز و تطبیق آن بر قلمرو اخلاق محیط زیست نشان دهیم که هواداران اخلاق دینی و اخلاق فرا دینی در پرتو کاربست چنین ایده‌ای در این قلمرو می‌توانند بر سر چند اصل اخلاقی که از اصل اخلاقیِ بنیادین «لزوم احترام به طبیعت» سرچشمه می‌گیرد، به توافق برسند، بدون اینکه برای دست یابی به چنین توافقی ناگزیر باشند بر سر دلایلی که چنین الزام و چنان اصولی را برای آنان توجیه می‌کند نیز به توافق برسند.

این اثر گامی است در راستای بررسی رابطه دین و اخلاق در یکی از شاخه‌های مهم اخلاق کاربردی و امید می‌رود در پرتو لطف و عنایت خداوند در غنی کردن ادبیات بحث از اخلاق محیط زیست و فرهنگ سازی در این زمینه در میان خوانندگان نقشی هرچند کوچک ایفا کند. همچنین این اثر فارغ از موضوع و محتوای آن، از نظر مراعات استانداردهای پژوهش و نگارش فلسفی و پرداختن به مسائل ملموس و مورد ابتلای عمومی انسان‌ها در زندگی روزمره و سیاست گذاری‌های کلان، می‌تواند سرمشق خوبی برای طلاب، دانشجویان و پژوهشگران در این زمینه و زمینه‌های مشابه باشد.»

به مناسبت سالروز درگذشت فیلسوف آلمانی؛

بدون هیدِگر، هرگز!

هیدِگر پرسش بزرگ دوره جدید (پرسش از وجود) و بخش عمده‌ای از سایر پرسش‌های مهم زمانه را به صورت بسیار باریک بینانه و موشکافانه طرح کرد.

محمدزارع شیرین کندی در تازه‌ترین یادداشت خود با عنوان «بدون هیدگر، هرگز!» به مناسبت سالروز درگذشت این فیلسوف آلمانی نوشت: هیدگر پرسش بزرگ دوره جدید و بخش عمده‌ای از سایر پرسش‌های مهم زمانه را به صورت بسیار باریک بینانه و موشکافانه طرح کرد؛ تفکرات هیدگر نیز، به رغم همه خطاهای سیاسی نابخشودنی او، زنده و پرنشاط و ماندگارند و همواره محل توجه و رجوع اهل فلسفه است.

مشروح این‌یادداشت را در ادامه می‌خوانیم:

هیدگر پرسش بزرگ دوره جدید (پرسش از وجود) و بخش عمده‌ای از سایر پرسش‌های مهم زمانه را به صورت بسیار باریک بینانه و موشکافانه طرح کرد. او بیشتر مسائل فکری و معضلات فلسفی و گره‌های فرهنگی - اجتماعی قرن بیستم را به دقت اندیشید و خوشبختانه اندیشه‌هایش را در قالب نوشتار و گفتار در آورد و برای دیگران و آیندگان به یادگار گذاشت. او در سده بیستم، علم جدید و تکنیک و بوروکراسی و اومانیسم و نیهیلیسم و علوم انسانی و مدیریت علمی و جنگ‌های جهانی و سلاح‌های اتمی و شیمیایی و غیرهرا با تمام وجودش دریافت و تجربه کرد، جلوِ هر کدام علامت پرسشی گذاشت، از چیستی و ماهیتِ انسان جدید و غرب و مدرنیته و عقل و سیاست و ایدئولوژی پرسید، ژرف‌ترین اندیشه‌ها را به قلم و زبان آورد و خیل عظیمی از مخاطبان و مستمعان و خوانندگان مشتاق را مسحور و مفتون نوآوری‌های فلسفی اش کرد. با این اوصاف، فلسفه‌ی پس از هیدگر هرگز نمی‌تواند او را نادیده بگیرد و اگر این کار را بکند مجبور است بخش مهمی از ابتکارات و ابداعات فلسفی او را صرفاً تکرار کند و احیاناً در جامه مبدلی تحت اسم خود درآورد.

فلسفه پس از هیدگر نمی‌تواند بدون هیدگر بیندیشد زیرا محکوم است که تکلیف خویش را با تفکرات او روشن و مشخص کند دقیقاً همان گونه که او خود تکلیف اش را با بیشتر فیلسوفان پیش ازخود، از یونانیانِ پیش از سقراط و افلاطون و ارسطو گرفته تا دکارت و کانت و هگل و نیچه و معاصرانش نظیر هوسرل و هارتمان و کاسیررو زیمل و شلر، روشن کرده بود. سخن تازه هیدگر (وجود و زمان) از دل مواجهه او با فیلسوفان باستان و متفکران جدید و هم عصر او در مغرب زمین و در پیِ گفتگوی او با آنان پیدا شده و شکل و قوام یافته است. فلسفه‌ی پس از هیدگر نمی‌تواند به نحو منتزع و مجزا از درگیریهای انضمامی و واقعی فلسفه‌های قرن بیستم درعالم توهم خویش از صفر شروع کند و درباره مسائل معاصر بشر چنان بیندیشد که گویی تفکر معاصر فاقد هر گونه پیشینه و عقبه و زمینه‌ای تاریخی بوده است. هر فیلسوف بزرگی آیندگان و اصحاب اندیشه بعد از خود را به توجه به خویش و مواجهه با فلسفه خویش فرا می‌خواند وهیدگر چنین فیلسوفی است. برای نمونه در نظر بگیرید که امروز کسی درباره غرب و مدرنیته و اومانیسم فلسفه بورزد و بر آن باشد که می‌تواند تمام موضوع را مستقلاً و آزادانه در ساحت معقول ثانی در اندیشه درآورد، بسنجد و بررسد، حق مطلب را در باب هر کدام از موضوعات تمام و کمال اداء کند و نیازی به رجوع به متون هیدگر نبیند، هر رأی و نظری عرضه کند بی عمق و عقیم خواهد بود زیرا هیدگر دستکم جنبه یا جوانبی از موضوعات مذکور را تا اعماق و ریشه‌هایش کاویده و گفتار (دیسکورس) تازهای آفریده است. پس اگر مدعی بخواهد همان را بگوید تکرار مکررات خواهد بود و اگر آن را بپوشاند برنهاده اش عاری از نقص و عیب اساسی نخواهد بود. زیرا تنها در صورتی یک نظر یا فکر می‌تواند در جامعه فلسفی جدی گرفته شود که صاحب آن موضع ایجابی یا سلبی یا نقدی خویش را در قبال پیشینیانی که مبدعان و آغازگران آن ایده یا اندیشه به شمار می آیند، عیان کرده باشد.

او هر موضعی گرفته باشد (چه سلبی، چه اثباتی و چه انتقادی) در واقع، با اسلاف خویش وارد گفتگو (دیالوگ) شده است و نفس همین دیالوگ و دیالکتیک می‌تواند فلسفه ورزی محسوب گردد. در اثنای همین تفسیرها و گفتگوها، امکان جهش فکری نو یا بارقه کشف و تجربه و انتفاحی تازه وجود دارد. هر ایده و تز اصیلی در عالم فکر و فلسفه از درون گفتگو با گذشتگان و معاصران و سپس گفتگو با خویشتن امکانپذیر است. امروزه شوخی است اگر کسی مسائل سترگ و دردها و دغدغه‌های جان فرسای زمانه ما را، بدون رجوع به آثارو افکار هیدگر، رفع و رجوع یا درمان و مداوا کند. البته محققان و متفکران غربی به این امر به خوبی متفطن و نیک آگاه اند و از همین رو بی گدار به آب نمی‌زنند.

آنان از هر مشرب و نحله فلسفی برخاسته باشند از کنار فیلسوفان بزرگ و اندیشه‌های دوران ساز بی اعتناء عبور نمی‌کنند و به همین سبب کمتر دچار گزافه گویی و مهمل بافی و ژاژخایی و یاوه سرایی و جفنگ نویسی از نوع جهان سومی، و خاصه نوع ایرانی اش، می‌شوند. هیدگر در آن جایی ایستاده است که هر کس بخواهد دوردست‌هایی را ببیند که او ندیده است باید برروی شانه‌های غولی چون او گام بگذارد و گرنه کار چندان راحت وآسان نیست. در روزگار تکنیک و الکترونیک و اینترنت، هر کسی که بخواهد بعد از هیدگر فلسفه بورزد یا فکر کند و پرسش و سخنی تازه در میان آورد بناگزیر گذرش به او خواهد افتاد چه در اثنای کار، چه در پایان آن. طرح مسئله سوبژکتیویسم و نیهیلیسم و عمق و غنابخشیدن به بحث در باب آن، بدون توجه به گفته‌های هیدگر و تمرکز بر آنها، به بیراهه‌هایی خواهد انجامید که صرفاً در پستوی تاریک ذهن جماعت ایرانی پرمدعای بیگانه با / از فلسفه می‌توان سراغشان را گرفت.

هیدگرِ متِفکر و فیلسوف را نمی‌توان ندید اگر کسی در حقیقت متعاطی مصر و سمج و تشنه فلسفه باشد. در طول تاریخ فلسفه، نه افلاطون که نویسنده کتاب «قوانین» و صاحب نظریه «فیلسوف-پادشاه» است نادیده گرفته شده است، نه ارسطو که رسم زشت و ضدانسانی «بردگی» را تأیید می‌کرد و نه هگل که نظریه پردازجدید «دولت» و «فیلسوف رسمی دولت پروس» خوانده شده است.

تفکرات هیدگر نیز، به رغم همه خطاهای سیاسی نابخشودنی او، زنده و پرنشاط و ماندگارند و همواره محل توجه و رجوع اهل فلسفه. حتی هابرماس که در جوانی مقاله‌ای در انتقاد از هیدگر نوشت، عنوانش راگذاشت: «با هیدگر، بر هیدگر».

ترجمه قدیمی رمان مشهور ادوارد مورگان فاستر منتشر شد

«هواردز اِند» نوشته ادوارد مورگان فاستر به‌تازگی با ترجمه احمد میرعلایی توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه ادبیات داستانی کلاسیک» است که این‌ناشر منتشر می‌کند. نسخه اصلی این‌کتاب سال ۱۹۱۰ در لندن چاپ شده است. ادوارد مورگان فاستر نویسنده انگلیسی این‌کتاب متولد سال ۱۸۷۹ و درگذشته به سال ۱۹۷۰ است. او رمان‌نویس و منتقد ادبی اجتماعی بود و بیشتر شهرتش به‌خاطر دو رمان آخرش «هواردز اِند» و «گذری به هند» است. او یک‌مجموعه‌داستان و چند اثر در حوزه نقد ادبی هم دارد. اختلاف طبقاتی، ریا، امپریالیسم انگلستان، مسائل جنسیتی و ... ازجمله موضوعاتی هستند که در آثار فاستر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

احمدمیرعلایی رمان «هواردز اِند» را سال ۱۳۷۳ ترجمه کرد که هوشنگ گلشیری یک‌معرفی درباره او و آثارش نوشته و همراه با پیشگفتار میرعلایی بر این‌رمان، در چاپی که نشر نو به‌تازگی از آن ارائه کرده درج شده است. میرعلایی در یادداشت خود بر ترجمه‌اش از رمان «هواردز اِند»، به نکته جالبی اشاره کرده است؛ این‌که کتابخوان ایرانی همیشه زیر نفوذ چپ بوده و نویسندگانی که چپ را نمی‌پسندیده‌اند، همیشه در کشورمان خوش‌اقبال نبوده‌اند. او می‌گوید برای ترجمه آثار بورخس و جوزف کنراد چه درشت‌ها و زمخت‌ها که از دوستان روشنفکر! نشنیده است.

رمان «هواردز اِند» در قالب ۴۴ فصل از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰ نوشته شده است. این‌رمان رگه‌های مشهودی از طنز دارد و بسیاری از منتقدان آن را شاهکار ادوارد مورگان فاستر می‌دانند. عنوان «هواردز اِند» نام تغییریافته یک خانه واقعی است و درباره زندگی در سال‌های ابتدایی قرن بیستم در انگلستان است. خانه مورد اشاره که فاستر ۱۰ سال از زندگی خود، از کودکی تا نوجوانی را در آن زندگی کرده، یکی از مشهورترین خانه‌ها در تاریخ ادبیات جهان است. نویسنده در رمان پیش‌رو تلاش برای به ارث بردن این‌خانه را به‌عنوان تلاشی نمادین برای نشان‌دادن آینده کشورش نشان داده است.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم: روز بعد مارگارت سرورش را با لطفی خاص خوشامد گفت. هنری هرچند کارآزموده بود، به‌کمک مارگارت نیاز داشت تا آن پُل رنگین‌کمانی را بسازد که می‌بایست نثر درون ما را با عاطفه پیوند زند. بدون آن ما تکه‌هایی بی‌معنی هستیم، نیم‌راهب، نیم‌جانور، آسمانه‌هایی نامتصل که هرگز در قالب انسان فراهم نمی‌آییم. با آن عشق زاده می‌شود و بر بلندترین انحنا می‌نشیند، بر زمینه خاکستری می‌درخشد، و در برابر آتش خود را نمی‌بازد. خوشا آنکه شکوه و جلال این دو بال گسترده را از هر دو سو ببیند. راه‌های روحش گشوده می‌ماند و خود و دوستانش رفتار را هموار خواهند یافت. راه‌های روح آقای ویلکاکس ناهموار بود. از کودکی از آنها غافل مانده بود. «من از آن‌جور آدم‌ها نیستم که برای درون خود ارزشی قائل باشم.» به‌ظاهر خوش‌خُلق، معتمد و شجاع بود، اما در درون، همه‌چیز سر به آشوب می‌زد، و اگر چیزی بر آن حاکم بود، همانا زهدی نیم‌بند بود. چه در مقام پسربچه، چه شوهر، یا شوهر زن‌مرده، همیشه این اعتقاد زیرجُلی را داشت که شهوت جسمانی بد است، اعتقادی که اگر زاهدانه باشد مطلوب است. مذهب او را تایید کرده بود. کلماتی که هر یکشنبه بر او و دیگر مردان محترم خوانده شده بود همان کلماتی بود که روح کاترین مقدس و فرانسیس مقدس را شعله‌ور کرده و به نفرتی سوزان از جسم رسانده بود. نمی‌توانست همچون این قدیسان باشد و با شوروشوقی قدسی به نامتناهی عشق بورزد، اما می‌توانست از دوست داشتن همسر اندکی شرمنده باشد. «عشق کار خطیری است.» و اینجا بود که مارگارت امیدوار بود به او کمک کند.

این‌کتاب با ۴۱۰ صفحه، شمارگان ۷۷۰ نسخه و قیمت ۱۶۰ هزار تومان منتشر شده است.

خبر

اسماعیلی خبر داد؛

تخصیص اعتبارات وزارت ارشاد برای نوسازی و تجهیز فضاهای فرهنگی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در زمینه توسعه و تجهیز فضاهای فرهنگی این شهرستان ازجمله کتابخانه ها اعتبارات وزارت فرهنگ برای نوسازی در اختیار خواهد گرفت.

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صبح روز جمعه ششم خرداد به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور در شورای اداری شهرستان بهارستان از توابع استان تهران گفت: نکات و مسائل مطرح شده در این جلسه در کنار دستاوردهای بازدیدهای میدانی سفر استانی در هیأت دولت و نهاد ریاست جمهوری مطرح و پیگیری می‌شود.

وی افزود: همه موارد در جلسات کارشناسی هیأت دولت در راستای رفع مشکلات مناطق محروم پیگیری و امیدواریم همه مشکلات با اقدامات جهادی و ایجاد امکانات مناسب مرتفع شود.

عضو هیأت دولت مردمی در ادامه به اهمیت رفع مشکلات شهرستان بهارستان اشاره کرد و گفت: این شهرستان نیازمند امکانات متناسب با جمعیت آن در تمامی حوزه‌ها است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: توسعه و تجهیز فضاهای فرهنگی شهرستان بهارستان از جمله کتابخانه ها باید در دستور کار قرار گیرد و در این زمینه از اعتبارات وزارت فرهنگ برای نوسازی و تجهیز فضاهای فرهنگی بهره خواهیم برد شد، البته مهم‌تر از ایجاد زیرساخت، تهیه تولید محتوای غنی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

وی به بیانات مقام معظم رهبری درباره اهمیت توسعه فعالیت‌های فرهنگی در امامزادگان اشاره کرد و افزود: همانطور که مقام معظم رهبری فرموده اند: «امامزاده ها قطب فرهنگی باشد»، ما نیز در وزارت فرهنگ به تقویت این مساله اهتمام خواهیم داشت و در همین راستا توسعه و تجهیز کتابخانه ها، دارالقرآن و سالن‌های چند منظوره، سه امامزاده شهرستان بهارستان مورد توجه قرار گیرد.

اسماعیلی در بخش دیگری از سخنانش به طرح مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها پرداخت و گفت: متأسفانه اغلب پرونده‌های اقتصادی در دادگاه‌ها مربوط به مشکلات ارز ۴,۲۰۰ تومان بود، همچنین نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد در روش سابق پرداخت یارانه‌ها در حق مردم اجحاف می‌شد زیرا با بیش از ۳۰ درصد هدررفت مستقیم منابع مواجه بودیم و تا ۳۰۰ کیلومتر دورتر از مرزهای کشور از یارانه‌های ما استفاده می‌کردند اما این یارانه به دست مردم نمی‌رسید.

وزیر فرهنگ افزود: دولت مردمی در آغازین ماه‌های فعالیت خود تصمیم گرفت تا روند اصلاح یارانه‌ها را بر اساس اطلاع‌رسانی دقیق و با هدف تحقق عدالت فرهنگی و اجتماعی آغاز کند. بنابراین اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها عبور از شرایط ناعادلانه پرداخت یارانه‌ها به شمار می‌آید.

عضو هیأت دولت مردمی در ادامه به وضعیت بیماری کرونا در کشور اشاره کرد و گفت: آغاز کار دولت انقلابی با اوج پیک پنجم کرونا در کشور مواجه شده بود و همزمان فداکاری‌های کادر درمان و همکاران وزارت بهداشت در خط مقدم مبارزه با کرونا و حرکت جهادی و انقلابی تشکل‌های مردمی، موجب کاهش این ویروس در کشور شد؛ به طوری که این روزها از حدود ۷۰۰ فوتی در روز به چند فوتی مبتلا به کرونا رسیده ایم.

وی افزود: دستاوردهای دولت مردمی در مهار ویروس کرونا در کتابی با عنوان «جان ایران» گردآوری شده است که در سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران رونمایی شد.

وزیر فرهنگ در پایان با اشاره به حضور اقشار مختلف مردم در مراسم باشکوه «سلام فرمانده» در ورزشگاه آزادی تهران گفت: امروز دشمن صهیونیستی با تمام داشته‌هایش مقابل تفکرات انقلابی و اسلامی قد علم کرده است؛ اما خوشبختانه جمهوری اسلامی دست برتر را در تمامی بخش‌ها و حوزه‌ها از آن خود کرده است و دشمن نمی‌تواند مقابل جوانان انقلابی ایستادگی کند و ایران اسلامی با صلابت به دنبال ایجاد تمدن نوین اسلامی در دنیا خواهد بود.

وزیر فرهنگ به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور در ابتدای سفر خود به شهرستان بهارستان با حضور در گلزار شهدای امامزاده حسن (ع) این شهرستان با ادای احترام به مقام شهدا از خانواده شهدای این شهرستان نیز تجلیل کرد؛ همچنین بازدید از مجموعه ورزشی نسیم شهر، بیمارستان حضرت ابوالفضل (ع)، حاشیه رودخانه شادچای و شهرک صنعتی قلعه میر از دیگر برنامه‌های دکتر اسماعیلی در جریان این سفر بوده است.

اسماعیلی در این سفر در مجتمع فرهنگی هنری الهیه شهرستان بهارستان حضور یافت و ضمن بازدید از بخش‌های مختلف این مجتمع در کتابخانه پروین اعتصامی این شهرستان حضور یافت و شاهنامه خوانی نوجوان بهارستانی از حواشی قابل توجه این بازدید بود، همچنین در ادامه سفر استانی خود نیز از ظهر جمعه ششم خرداد از مراکز و بخش‌های مختلف شهرستان رباط کریم نیز بازدید کرد و حضور در جمع نخبگان این شهرستان بخش پایانی سفر یک روزه نماینده ویژه رئیس جمهور به دو شهرستان بهارستان و رباط کریم است.